



اخبار

اجازه می نوشیدن آب زیاد ، به علت بیماری ، رانیر نمی باید . پس از مدتی ، از آنجا نیکه این شخص در شرایط بد جسمانی و رو به مرگ قرار داشته ، وی را آزاد می کنند ، ولی شرایط او به قسدری وخیم شده بود که وی حتی قادر به صحبت نبوده و فقط از اطرافیان میخواهد که به همسرش بگویند فرار کند ، و بعد از ۲ ، ۳ روز خود فوت می کند . اینهم از " واقعیت " همکاری والدین بسا جلادان رژیم ؛ در شرایطیکه والدین مبارزین حتی تحت بدترین شرایط وزیر شکنجه روحی و جسمی نیز حاضر به لو دادن فرزندان انقلابی نیستند تا به جائیکه مرگ را بر تنگ ترجیح می دهند ، دستگا ههای تبلیغاتی رژیم ، که در حاشیای دروغگویی دست گویلز وزیر تبلیغات هیتلر را از پشت بسته اند ، فرد مشکوکی بنام طریق الاسلام را به عرض اعلی می رسانند ، تمایش تلویزیونی بسا شرکت او اجرا می کنند ، او را به ملاقات خمینی می برند ، تلگرام پشت تلگرام ارسال می دارند ، تا ثابت کنند که مادری پیدا شده که حاضر است فرزند خود را لو بدهد و بدست جلادان مسرگ بسارده ؛ جل الخالق ! واقعا که باید کوشش های فراوانی به خرج دهند زیرا معدود کسانی هستند که چنین امری را باور می کنند .

تهران

اخیرا پاسداران سرمایه و شلولینده های کمیته چی که مغز ساواکی های " توبه کسریه " برایشان به کار افتاده است ، شیوه جدیدی را برای جستجوی خانه های " نیمه مشکوک " به کار میبرند . این شیوه که در چند محله تاکنون بکار رفته است عبارتست از اینکه ابتدا منازل یک محله را کنترل می کنند . سپس یک شب به یکی از منازل مورد نظر مراجعه کرده و می گویند ما یک نفر مسترا دستگیر کرده ایم ، شما هم دهان وی را بوکنید و ما را مطمئن سازید . پس از اینکه کسی که در را باز کرده ، دهان شخص داخل ماشین را بو می کند و راجع به مشروب خوردن وی نظر می دهد ، کمیته چی ها تشکر کرده و میروند . ولی پس از آن ، عکس العمل اهالی منزل را در نظر می گیرند تا ببینند چراغ روشن میماند ، یا فرضا چیزی از منزل خارج میشود . در بعضی موارد که چراغ خانه مدتی پس از مراجعه کمیته روشن مانده است ، شلولیندها به خانه یورش برده و به جستجوی آن پرداخته اند ، با این استدلال که حتما افراد خانه مشغول پاکسازی خانه و مخفی کردن مدارک بوده اند .

مس سرچشمه

با تشدید جو خفقان در شهرهای مختلف و هجوم شدیدتر پاسداران سرمایه به شئون مختلف زندگی مردم ، دؤخیمان رژیم ارتشاعی جمهوری اسلامی در مجتمع مس سرچشمه قدمی فراتر گذاشته و از اواخر مرداد ماه حکومت نظامی غیر رسمی برقرار کرده -

آمل

در شهر آمل ، علاوه بر دادگاه و شهربانی ، در حدود ۱۰۰۰ نفر در کمیته ی شهر زندانی هستند . زندانیان سیاسی فقط غذاهایی را که خانواده ها - یشان می آورند ، میخورند و غذا های کمیته را مصرف نمی کنند .

پس از اعدام رحمت الله فلاح در آمل که سه گلوله به وی اصابت کرده بود ، پاسداران سرمایه در هنگام تحویل جسد ، ۳ هزار تومان از پدر وی گرفتند .

دؤخیمان خونخوار از والدین لاله آبادی ، از ساکنین قریه ی بویران ، نیز مبلغ ۴ هزار تومان بابت " پول تیر " برای تحویل جسد وی گرفتند .

باقت کرمان

پاسداران شخصی بنام سالاری از اهالی سی ده بنگان (نزدیک بزجان بافت) را دستگیر و سپس تیرباران کرده اند . رژیم جمهوری اسلامی حتی از اعلام نام وی خودداری کرده است .

همچنین پاسداران سرمایه ی بافت شخصی بنام اسلامی را دستگیر و پس از تیرباران برای تحویل جسد وی خواهان ۵۰ هزار تومان پول (!!) شده اند ، برادر شخصی مذکور در حال حاضر فراریست .

تزدان جنایتکار در هیچ موقعیتی از داد و ستد و تیر کردن جیب خود غافل نیستند . این دؤخیمان با کمال بیشرمی در مقابل تیرباران پرزندان زحمتکش مردم ما نیاز شصت طلب می کنند . ۵۰ هزار تومان پول تیر ؟! گویا درصدد تامین بودجه ی خرید مجدد سلاح از اسرائیل هستند !

اخیرا پاسداران سرمایه پدر یکی از هواداران مجاهدین را دستگیر کردند تا با بازجویی او محل اختفای فرزندان را پیدا کنند . دؤخیمان این پدر را تا مدتی تحت فشار شدید قرار می دهند و حتی اداروی مورد احتیاج او را به وی نمی دهند . او

سرنگون باد رژیم اسلامی

اخبار

اند. طبق مقررات فرمایشی ، افرادی که از ساعت ۸/۳۰ شب بیعد در خیابانها دیده شوند، دستگیر و به مقر سپاه پاسداران برده میشوند ، و در آنجا مورد بازجویی قرار می گیرند. بهانه‌ی این کار نیز " پیدا کردن نشریه و خرابکاری " قلمداد میشود. جالب اینجاست که مقر پاسداران سرمایه در S. S. (اس . اس) است که الحق نامیست مناسب حال فاشیستهای مستقر در این محل . بالاخره از حق نباید گذشت که این جنایتکاران چیسوزی از اسلاف هیتلری خود کم ندارند و بلکه به همان درجه وحشی و کثیف هستند و به مانند آنان نیز دست خود را تا مرفق در خون مردم آلوده ساخته اند.

■ شب ۲۲ مرداد ماه ، هنگامیکه تعدادی از کارگران پیمانکار به اضافه کاری مشغول بودند ، پاسداران سرمایه خواستار نام و مشخصات کامل آنها میشوند. بعضی از کارگران از دادن مشخصات ظفره میروند و حتی یکی از ایشان اعتراض کرده و خواستار توضیح راجع به علت هجوم آسانهای این جندان می گردد. ششولبندها پاسدار نیز کوه همواره درصدد خاموش کردن هر صدای اعتراض هستند، او را دستگیر می کنند و پس از مراجعه به کارفرما و گرفتن لیسیت اسمی که در اثر عدم همکاری کارگران موفق به تهیه آن نشده بودند ، کارگر مذکور را آزاد میسازند، ولی او دیگر حاضر به ادامه کار در پس سرچشمه نشده و به شهران منتقل می گردد.

دیگر دست پاسداران سرمایه که در طی دو سال و نیم گذشته بارها کارگران بییکار ، اعتصابی و متحصن را به گلوله بسته اند ، زو شده است. کارگران میهن ما بی به ماهیت جنایتکارانه ای این حامیان سرمایه و ارگان سرکوب دولتی سرمایه داری پی برده اند و چه خوب با آنها رفتار می کنند. و این هنوز در حالیکه اسلحه و سر نیزه در دست پاسداران سرمایه است. وای به روزی که معادله برعکس شود و کارگران مسلح شوند.

■ جندی قیل نگهبان یکی از شرکت ها به " جرم " پوشیدن شلوار کردی دستگیر شده است و از وی تعهد گرفته اند که دیگر لباس محلی خود را نپوشد.

بیچاره پاسداران سرمایه که حتی از شلوار کردی وحشت دارند! بهرحال ، پس از آنهمه جنایت که آنها در حق خلقهای فهردان ایران و به ویژه خلق کرد مرتکب شده اند ، باید هم از هر چه نشان از خلق کرد دارد بترسند. کابوس انتقام و محازات برای جنایات کثیفشان ، لحظه ای این پاسداران زبون و عاجز را تنها نمی گذارد.

■ خانه های کاراوانی که مخصوص سکونت افسراد مجرد است ، هرچند شب یکبار مورد یورش پاسداران سرمایه واقع میشود. در آخرین یورش ، ۴ نفر به دلیل نامعلوم دستگیر شده اند.

ایران و ...

نظر خواهد رسید. خبرنگار لوموند، پس از بررسی مسئله خرید سلاحهای جنگی توسط جمهوری اسلامی از قاچاقچیان بین المللی و " رو دست خوردن " های آن ، می نویسد:

رژیم گذشته ایران از نظر میزان سلاحها و تجهیزات نظامی به عراق برتری مطلق نداشت ولی در حال حاضر تعداد هواپیما های ایران نصف تعداد هواپیما های عراق و تعداد تانکهای آن قریب یک پنجم تانکهای عراقی است. و از این نظر است که حملات هوایی و زمینی رژیم جمهوری اسلامی فروکش کرده است و جنگ را اکنون نه نیروهای نظامی بلکه عمدتاً نیروهای غیر منظم نظیر پاسداران، لنگلنگان، دنبال میکنند.

و نتیجه می گیرد: " اگر قبول کنیم که پول عصب جنگ است ، در اینحال شکست جمهوری اسلامی اجتناب ناپذیر خواهد بود."

در همین زمینه پس از بررسی و مقایسه وضع اقتصادی و ذخایر ارزی دو کشور ، می نویسد: " ذخایر ایران در ماه ژانویه ((دیمه ۵۹، پس از آزاد کردن گروگانها)) ، یا معاصبه سه میلیارد دلاری کسه از آزادی گروگانها بدست آورده ، در حدود ۴ میلیارد دلار بوده است در حالی که ذخایر ارزی عراق در حال حاضر بین ۲۰ تا ۲۵ میلیارد دلار می باشد."

مفسر لوموند پس از ارائه دلایل مربوط به اینکه در حال حاضر جمهوری اسلامی قادر به فروش نفت بیش از میزان کنونی و در نتیجه کسب درآمد بیشتر برای جبران هزینه های جاری خود نخواهد بود مگر اینکه قیمت نفت خود را ب میزان قابل توجهی پائین بیاورد، تابلوی تیره ای از وضع اقتصادی جمهوری اسلامی بدست میدهد:

" مسئله درآمد برای جمهوری خمینی ، مسئله مرگ و زندگی است. نه فقط برای تامین هزینه های جنگی بلکه بویژه برای تضمین ادامه حیات رژیم و یا نجات از ورشکستگی اقتصادی. صنایع بعد از انقلاب کمتر از ۴۰ درصد ظرفیت خود کار می کنند. کشاورزی ورشکسته است. رشد در آمدخالص ملی پس از انقلاب بیش از سی درصد کاهش یافته است. بدون در نظر گرفتن یک یا دو میلیون آواره جنگی ، تعداد بیکاران بنا به ارزیابی های متفاوت ، بین ۲/۵ تا ۴ میلیون نفر است. نرخ رسمی تورم ، ۲۵۰ درصد است ولی قیمت برخی از مواد اساسی در ظرف چند ماه ، دو یا سه برابر شده است. نا رضایتی اجتماعی بطور خطرناکی در حال گسترش است. بنا براین میتوان نتیجه گرفت که " وضع عادی " در تهران چیزی جز صورت ظاهری از یک واقعیت پیچیده نیست."

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا